

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

شمی صلواتی
۱۳ نومبر ۲۰۲۲



شمی صلواتی

در همدردی با مردم بلوچستان

بیانید تا اشکهایمان را به پای درخت سوسیالیزم و آزادی بریزیم

«چرا نباید با فریادهای خویش جهانی را خبر کنیم
چرا نباید فریاد بزنیم که مردمانی اسیر رنجند و در خون خود می غلتند نوجوانان شجاع و کودکان خردسال به
ضرب گلوله جنایتکاران حاکم بر ایران جان می سپاردند»
من صرفنظر از باورها در همدردی با این مردم رنجیده بلوچ و محکوم به فناء اشک می ریزم
اما تنها ریختن اشک کافی نیست
هر جای این جهان اگر صدائی هست برای دفاع از ارزشهای انسانی، باید با این مردم همصدا شد
روزگاریست تلخ،
سخت و غریب رفیق!
داغ ده ها کودک جانباخته بر ذهن و قلبم سنگینی می کند...
امروز اگر درست نوشته باشم چهلمین روز جمعه خونین بلوچستان است،
جمعه خونین "جانباختگان". بلوچستان است که به دست وحشیترین ارتش جهان "نیروهای مسلح حکومت اسلامی" در
اوج بی رحمی به رگبار گلوله بسته شدند.
نوجوانان همراه کودکان خردسال بلوچ در خون خویش غلتیدند
سربازان صفویه که بدترین و جنایتکارترینند نه! تنها در جامعه امروز ما بلکه در جهان شهره خاص و عامند .
بلوچستان را به خاک و خون کشیدند...
من بلوچم، شریک غم و درد بستگان این خونهای ریخته شده
که در رگهای قلبم جریان دارد...

در این نصف شب تار،
 نمی فهم چرا باید بنویسم
 ذهنم در گیر خونهای ریخته شده است با قلبی پر درد! اشک می ریزم
 در بلوچستان و کردستان، در آذربایجان و اصفهان و تبریز همراه با مردم در جنوب تهران....
 امروز یاد روزهای خونین سنندج می افتدم یاد فریادهای که می گفتند جمهوری اسلامی نمی خواهیم
 یا خیابانهای خونین سنندج،
 یاد شوالیه‌های توانگر که در جنگ با ارتجاع جان می باختند تا درخت جهل را بخشکانند
 به یاد پزشکی که برای کمک با عجله برای نجات زخمیهای گنبد کاووس شتافتند اما وسط راه جانباختند
 من دفترم، دفتر یادداشت‌های روزانه، دفتر رنج‌ها ثبت شده،
 دفتر جانباختگان راه سوسیالیزم و آزادی
 من دفتر پر از درد تاریخ ۱۲۰ ساله گذشته ایرانم
 به دور از هر آنچه که جعل تاریخ است، به دور از ناسیونالیزم ایرانی که عامل تبعیض و جدائی در ایران است
 ناسیونالیزمی که پیونده ریشه‌ئی با شیعه‌گری دارد مایه عقب ماندگی‌هاست، از خود بیگانه و مسبب درد و رنج ماست
 که با دروغ و جعل تاریخی نفس می کشد....
 و من متأثرم از این که انسانهای را می بینم که تمام وجودشان در پرچم شیرنشان حل شده است و اگر آن نما امامت
 از دستشان گرفته شود، واقعاً می میرند چون از خود بیگانه و به دنبال هویتند»
 من می خواهم به دور از قومیت و جنسیت نماد برابری باشم، البته سالهاست که این پرچم را در دست دارم در جنگ با
 نابرابریها پیر شدم.
 من انسانم، بلوچم، آذری ام. کوردم یا لر، یا شاید از جنوب تهرانم،
 نه گیلانم آنجا که برای اولین بار در ایران پرچم برابری و عدالت اجتماعی آشکارا به دور از ترس برافراشته شد»
 بیائید تا باهم اشکمان را به پای درخت سوسیالیزم و آزادی بریزیم.
 من از هر دینی بیزارم از این صنعت پر درآمد، که جنایت را می آفریند واقعاً متنفردم، متنفرد....
 مسبب همه این دردها ناسیونالیزم ایرانی است که عامل تفرقه و رنج‌هاست. حامیان خمینی بودند گفتند تمامیت
 ارضی مهمتر از انسانیت است و جنایت آفریند.
 با خلق واژه تجربه طلبی این شانس را به حکومت اسلامی در ایران دادند تا جنایت بیافریند هر کجا ترسی بود تاختند
 از لرستان گرفت تا گیلان و کردستان و بلوچستان»
 باید ناسیونالیستها خفه شوند و از حکومت های مستبد دفاع نکنند این تاریخ آغشته به خون به عنوان تمدن ا به رخ ما
 و دیگران نکشند چون ما از حقایق تاریخ آگاهییم و به همین دلیل باید از تاریخ آغشته به خونشان شرم کنند....
 ساعت یک بامداد ۱۰ نوامبر ۲۰۲۲ میلادی شمی صلواتی